



یقین بدانید کسی که به من ایمان می‌آورد حیات جاودان دارد من نان حیات هستم نیاکان شما در بیابان من را خوردند ولی مردند اما من درباره نانی صحبت می‌کنم که از آسمان نازل شده است و اگر کسی از آن بخورد هرگز نمی‌میرد من آن نان زنده هستم که از آسمان آمده است. هر که این نان را بخورد تا ابد زنده خواهد ماند و نانی که من خواهم داد، بدن خودم می‌باشد، که آن را به‌خاطر حیات جهانیان می‌دهم.»

در یک خانه مدرن موارد زیر را دیده‌ام: کتو لباس را نمیتوانم ببندم. قفسه لباس انقدر پر است که هیچ جایی حتی برای یک موش وجود ندارد. زیرزمین تا سقف با توده های بسته بندی شده دیگر از یخچال

صحبت نکنیم. این فراوانی یک مشکلی بزرگ برای دنیای ماست. چیزی بسیار خطرناک این است: از آنجا که ما هیچ محدودیت را نمیشناسیم، مفهوم زندگی را بیش از حد از دست می‌دهیم. برای مثل: اطلاعات زیادی روی موبایل در عرض چند ثانیه می‌آید و می‌رود. به طوری که ما واقعاً نمیتوانیم رسیدگی کنیم. ما کسل کننده هستیم و نمی‌توانیم چیزهای زیبا را درک بکنیم و از آن هم نمیرسیم. ... به طور خاص ما خیلی اشباع شده هستیم و هم خسته شده ایم و دیگر احساس گرسنگی واقعی را نمی‌شناسیم. در این حالت ویتامین و مکمل های تقویتی کمک نمی‌کنند. آدم احساس مردگی در روح خودش دارد. انسان ها در زندگی امروزی و محیط اطراف شان برای مایحتاج روح بیمار شان دنبال راه حل های اشتباهی می‌گردند. آنها به خدا پشت کرده و احتیاجات روحی خودشان را با پول برطرف می‌کنند. مورد توجه قرار گرفتن، مشهور شدن، قدرت و لذت چیزهایی هستند که انسان ها دنبال آنها هستند. ولی آدم چه زود و چه دیر این را می‌فهمد که این ها همه بت هایی بیش نیستند که همه آنها توسط انسان ها بوجود آمده اند. و آنها نمی‌توانند به همین خاطر ما را تامین کنند.

عیسی می‌گوید که ما چه چیز واقعی را در زندگی مان نیاز داریم. منظور عیسی در اینجا نه تنها غذای روحی و نه تنها غذای جسمی می‌باشد. عیسی می‌خواهد بدن و روح حقیقی ما را تغذیه دهد. برای همین او می‌گوید که: **من نان حیات هستم**

عیسی این سخنان را به افرادی می‌گفته است که در آن زمان، او 5000 نفر آدم گرسنه را با 5 عدد نان و 2 عدد ماهی سیر کرده است. آنها میل داشتند که با این عیسی همه چیزهای خوب را به راحتی بدست بیاورند. و آنها همچنین فکر می‌کردند که دیگر نیازی نیست که برای بدست آوردن روزی خودشان زحمت بکشند. و عیسی همیشه برای شان از بهشت غذاهای خوش مزه فراهم می‌کند. این فکرها کاملاً اشتباه نمی‌باشند زیرا عیسی می‌توانست هر غذایی را برای آنها فراهم سازد. همچنین عیسی می‌توانست به مشکلاتی که انسان ها بر روی زمین دارند رسیدگی کند. و گرنه او به ما این دعا را یاد نمی‌داد: "نان روزانه ما را به ما بده." این سوال ها هم تا حدودی درست بود زیرا آن انسان ها در آن زمان می‌دانستند که این سوال ها را درباره غذای روح از چه کسی می‌پرسند. ولی آنها نمی‌دانستند که چه چیزی برای آنها خوب می‌بوده است. این خصوصیات فقط برای مردم آن زمان نبوده است ما هم امروزه نمی‌دانیم که چه غذایی برای روح مان مناسب است. برای همین ما نمی‌توانیم در این باره به عقل و امیال مان اعتمادی داشته باشیم. این عقل ما می‌تواند فقط درباره انتخاب یک مارکت خوب برای خرید روزانه ما که از Aldi ; Lidel می‌باشد تفکر کند و اگر راجع به غذای روح ما باشد هیچ کاری از دست او بر نمی‌آید. او در این باره کاملاً اشتباه می‌کند و همه چیز را برای ما طور دیگری تدارک می‌بیند. و همه چیز آن بر خلاف خواسته های خوب خداوند می‌باشد. ولی عیسی برای ما همه چیزهای خوب را می‌خواهد و او دوست دارد که یک غذای خوب روحی را برای ما تهیه کند.

عیسی به ما غذای روحی می‌دهد. این غذا را آدم چطور می‌تواند شرح دهد و این غذا به چه صورت می‌باشد؟ عیسی آن زمانی که در برابر آزمایش شیطان از او امتحان گرفته شد، گفت: انسان فقط با غذای جسمی زنده نمی‌باشد. بلکه از کلام خداوند که او گفته است. حال می‌دانیم که کتاب انجیل را نمی‌توان خورد. پس بنابراین منظور این سخن این است که ما باید همیشه با کلام خدا سر و کار داشته باشیم. برای همین ما تا می‌توانیم در مراسم عبادت و کلاس های انجیل شرکت می‌نماییم. در انجا آدم خطبه های زیادی را می‌شنود که برخی از آنها بسیار خوش آیند و برخی هم به عقیده ای نه چندان خوب می‌باشد. برخی اوقات هم ما با کشیش بحث می‌کنیم زیرا ما با او و با آن چیزی که در خطبه

گفته است هم عقیده نیستیم. همه اینها را ما در کلاس انجیل تجربه می کنیم و از این طریق ما غذای روحی انسان ها را تامین می کنیم. در اینجا من می خواهم چیز جالبی را عنوان کنم. افرادی که در قسمت وجود شان از نبود غذای روحی رنج می برند اصلا دوست ندارند که در این باره صحبتی کنند و یا بحثی را شروع کنند. و در برخی از افراد این جای خالی آنها بطوری است که آنها متوجه آن نمی شوند. و بدین ترتیب این انسان ها همانند آن اسرائیلی های آن زمان که به نزد عیسی رفته بودند این سوال را از ما می پرسند که : به ما غذای روحی مان را نشان بدهید. مسلما برای این افرادی که هر یکشنبه به مراسم عبادت می آیند خیلی سخت است که این قبیل افراد بی احساس را به غذای روحی که آنها دریافت می کنند یعنی به مراسم عبادت دعوت کنند. و به آنها بگویند که انجیل و مراسم عبادت یعنی چه. همچنین این خیلی دشوار است که ما به آنها بگوییم که چطور ما غذای روحی مان را در آنجا دریافت می کنیم. ما اعمالی را که روح القدس با ما انجام می دهد را نمی توانیم به صورت لمسی به دیگران توضیح بدهیم. ما فقط این را می توانیم به دیگران بگوییم که غذای روحی ما از خدا می آید و نه از انسان ها. این غذای جسمی که ما دریافت می کنیم، عقل ما است که درباره آن تصمیم می گیرد. من برای مایحتاج زندگی خودم به مرکز خرید می روم و آن چیزهایی که عقل من به من می گوید و آن چیزی را که او درباره اجناس تجزیه و تحلیل می کند خریداری می کنم. ولی اگر موضوع بر سر غذای روحی باشد این فقط خداوند است که می داند ما به چه غذایی نیاز داریم. و به همین خاطر این را باید بدانیم که عقل مان نمی تواند این غذا را تامین و جستجو کند. روح خیلی بزرگتر از عقل است و برای همین این خدا است که برای غذای او باید تصمیم بگیرد و نه عقل. و برای همین خداوند ما را به مهمانی خودش دعوت می کند او با توجه به دشمنان زیادی که در اطراف ما قرار دارند باز هم ما را از این غذا سیر می کند. همانطوری که در انجیل مزامیر داوود پادشاه شماره 23 آمده است: ای خدا تو در مقابل چشم های دشمنانم من را به مهمانی خودت دعوت می کنی. پس بنابراین این کار را خدا انجام می دهد و نه ما.

در عهد جدید این روشن شده است که خدا چه چیزی را تا به امروز به ما برای خوردن داده است. در همه جا این خیلی تاکید شده است که این خود عیسی است که برای تامین غذای روحی مان آمده است. در انجیل یوحنا عیسی همیشه کلام خدا را با خود مقایسه می کند و هر دو آنها را یکی می داند. عیسی خود کلمه کامل خداوند است که ما می توانیم از آن زنده بمانیم. عیسی همان غذای اصلی می باشد که ما می توانیم برای روح مان دریافت کنیم. عیسی به ما آن چیزی را که ما نیاز داریم به تنهایی می دهد. ولی عیسی چیزی در اینباره می گوید که ما را روشن می کند: کسی که از خون و جسم من دریافت نکند زندگی حقیقی را در خودش نمی بیند. این سخن کمی ضد نقیض می باشد. درست مثل رفتار آدمخواری به نظر می رسد. این سخن برای آن دسته از یهودی های سرسخت آن زمان هم خیلی سنیگن می بوده است. این کلام برای ما هم امروزه خیلی سخت است که متوجه بشویم و برای همین خیلی از افراد آن را طوری دیگر توصیف می کنند. و آنها می گویند که منظور عیسی چیز دیگری می بوده است. این انسان ها می گویند که ما در مراسم تنها نان و شراب را دریافت می کنیم تا یاد آور عیسی آبی باشد که الان در بهشت حضور دارد. ولی اگر ما فقط یک عکس از عیسی داشته باشیم دیگر نمی توانیم سیر بشویم. و ما در آن صورت فقط یک عکس از او در لیست غذای مان داریم و اجازه نداریم تا او را دریافت نماییم. و باز هم گرسنه می ماندیم. و دقیقا ما مثل افراد گرسنه ای می شویم که از بیرون شیشه مغازه ای به داخل مغازه و به غذاهای خوش مزه می نگرند بی آنکه آنها بتوانند به غذاها دست رسی داشته باشند.

ای خواهر و برادرهای عزیز ما نمی توانیم فقط به این صورت با یک عکس از عیسی زندگی کنیم ما باید او را کاملا دریافت کرده تا ما در او و او در ما زندگی کند. و ما او را به صورت کامل دریافت نماییم. نه چیزی که عقل ما آن را می سنجد.

برای عقل ما این سخن بسیار بی معنی می باشد که ما هر یکشنبه نان و شرابی را به عنوان جسم و خون عیسی دریافت می کنیم. شاید هم خیلی ها بگویند که خیلی بهتر است که بجای انجام دادن مراسم نان و شراب، یک خطبه زیبایی بشنویم. و در خطبه هم همان صحبت عیسی می باشد که در مراسم نان و شراب است. ولی بخاطر اینکه این را عیسی گفته است: بردارید و بخورید این جسم من است و بردارید و بنوشید این خون من است. ما هم تا به امروز آن را در مراسم عبادت انجام می دهیم. زیرا موضوع به خود خود عیسی بر می گردد. آمین